

تأثیر هیدروپلیتیک زاب کوچک بر روابط سیاسی ایران و اقلیم کردستان عراق

محسن دیانت^۱

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور تهران مرکز غرب (نویسنده مسئول)

حمید درج^۲

کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

ابراهیم قادری^۳

کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه پیام نور تهران مرکز غرب

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۱۵

چکیده

روابط سیاسی کشور ایران و اقلیم کردستان عراق در همسایگی یکدیگر، همواره متأثر از عواملی گوناگون بوده که می‌تواند دارای چند بُعد تأثیرگذاری باشد. مسئله منابع مشترک به عنوان یکی از عوامل چندبُعدی، تاکنون بر روابط سیاسی دو طرف تأثیرات قابل توجهی داشته است. کانون مورد توجه از میان منابع مشترک، مسئله آب‌های مشترک است که با جنبه‌های گوناگون بر روابط سیاسی ایران و اقلیم کردستان عراق تأثیر می‌گذارد. رودخانه زاب کوچک به عنوان رودخانه‌ای مشترک بین ایران و اقلیم کردستان همواره تحت اعمال تصمیم‌گیری‌های استراتژیک قرار گرفته است. در این راستا، هر دو طرف با مد نظر قرار دادن اهمیت منابع آبی، سیاست‌گذاری‌های استراتژیک بر حوزه‌های آبی مشترک را شروع کرده‌اند که در این میان تصمیم‌گیری‌های استراتژیک کشور ایران و تأثیرگذاری آن بر روابط سیاسی طرفین - با توجه به دارا بودن ایران از موقعیتی فرادست نسبت به اقلیم کردستان - بیشتر بوده است. سؤال اصلی مقاله این است که هیدروپلیتیک زاب کوچک چه تأثیری بر روابط سیاسی ایران و اقلیم کردستان عراق می‌تواند داشته باشد؟ فرضیه مقاله این است که از آنجایی که ایران نسبت به اقلیم کردستان عراق از لحاظ توپوگرافی در موقعیت بالادستی قرار دارد؛ در بهره‌مندی از رودخانه زاب کوچک نیز از امتیازات بالاتری برخوردار بوده است، که این خود ضمن افزایش قدرت چانه‌زنی ایران و برخورداری از اهرم‌های اعمال فشار در روابط آینده خود و مذاکرات دوجانبه با اقلیم کردستان، نقش به‌سزایی در تغییر معادلات قدرت منطقه‌ای به نفع ایران خواهد داشت که این امر می‌تواند روابط سیاسی بین دو طرف را تحت تأثیر قرار دهد. در پژوهش حاضر از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است.

واژه‌های کلیدی: ایران، کردستان عراق، زاب کوچک، روابط سیاسی، هیدروپلیتیک.

1. mdianat.pn@gmail.com

2. hamid.dorj@gmail.com

3. fryaghaderi@yahoo.com



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های نوین جهان اسلام

۱۳۱

تأثیر هیدروپلیتیک زاب کوچک بر روابط سیاسی ایران و ...

کمبود منابع آبی و به نقطه بحران نزدیک شدن این کمبود، کشورهای مختلف جهان، به خصوص کشورهای مناطق خشک و نیمه خشک جهان را وادار کرده تا در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های استراتژیک خود، نگاه ویژه‌ای به مسئله منابع آبی داشته باشند. در این راستا، قرار گرفتن منطقه خاورمیانه در کمربند خشک جهان موجب شده تا این منطقه به‌رغم دارا بودن ۵ درصد جمعیت جهان، تنها ۱ درصد آب‌های شیرین قابل دسترس را در اختیار داشته باشد که این منابع آب نیز به طور عمده به صورت مشترک مورد استفاده قرار می‌گیرد و بیش از ۵۰ درصد جمعیت این منطقه در حوضه‌های آبریز مشترک زندگی می‌کنند که این مسئله رقابت‌ها و منازعاتی را برای استفاده هر چه بیشتر از این منابع محدود به دنبال دارد. اهمیت مسئله آب‌های مشترک تا حدی است که بسیاری از صاحب‌نظران در این زمینه بر این باورند که جنگ بعدی در خاورمیانه نه بر سر سیاست، بلکه بر سر آب رخ خواهد داد (بزرگ‌زاده، جهان‌نما و قدرت‌نما، ۱۳۷۳: ۱۳-۱۱). در این خصوص، در منطقه‌ای همچون خاورمیانه - که چالش و تهدیدهای آبی روندی افزایشی به خود گرفته است - هر کشوری که از لحاظ توپوگرافی^۱ در ارجحیت قرار داشته باشد و منابع آبی غنی‌تری در اختیار داشته باشد، در مناسبات هیدروپلیتیک^۲ و ژئوپلیتیک منطقه‌ای از توان اثرگذاری بالاتری بهره خواهد برد. بحران آب اگرچه ابعاد جهانی داشته و گریبانگیر جوامع بسیاری است، اما شاید در هیچ جای دیگری به اندازه خاورمیانه و به خصوص بخش‌های عربی، آب ابعاد سیاسی - امنیتی نیافته و بر سیاست‌های ملی و منطقه‌ای کشورها تأثیرگذار نبوده است. مصرف آب در سال‌های اخیر به علت رشد جمعیت، گسترش شهرها و توسعه کشاورزی از افزایش چشمگیری برخوردار بوده است. این مسئله سبب بحران آب و منازعه بین کشورها در مورد استفاده از آب رودخانه‌های مرزی شده است. امروزه آب در مناسبات بین کشورها یک عامل بسیار تأثیرگذار است. بنابراین، باید گفت که اگرچه آب‌های مشترک مانند رودخانه زاب کوچک منشأ همکاری‌های مشترک و انعقاد پیمان‌های متعدد می‌شود، ولی به دلیل تبدیل شدن آن به یک منبع کمیاب، رقابت و درگیری را بین ایران و اقلیم کردستان عراق تشدید می‌کند و مناسبات سیاسی دو کشور را به سوی پیچیدگی پیش خواهد برد. در این رابطه دو طرف



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بای جهان اسلام
جمعه نرسانت العالم الاسلامی

۱۳۲

سال نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۸

1. Topography
2. Hydro Politics

باید در راستای بهره‌مندی از امتیازات اقتصادی و اجرای پروژه‌ها و طرح‌های آبی در این حوزه ژئوپلیتیکی گام بردارند و توجه داشته باشند که اجرای این پروژه‌ها کمترین آسیب را به مناسبات فی‌مابین وارد سازد. در این میان، کشور ایران به دلیل برخورداری از موقعیت بالادستی در بهره‌مندی از رودخانه زاب کوچک، در اتخاذ سیاست‌گذاری‌های کلان آبی باید سعی داشته باشد آسیبی به روابط سیاسی این کشور با اقلیم کردستان عراق وارد نشود و حق‌آبه این اقلیم را نیز در استراتژی‌های آبی خود لحاظ کند. با درک این مسئله مهم، پژوهشگر در تحقیق حاضر می‌کوشد تا با بهره‌مندی از مفروضات نظری هیدروپلیتیک به بررسی وضعیت هیدروپلیتیکی رودخانه زاب کوچک و تأثیر آن بر روابط سیاسی کشور ایران و اقلیم کردستان عراق بپردازد. بر این اساس، سؤال محوری مقاله بر این مبنا است که هیدروپلیتیک زاب کوچک چه تأثیری بر روابط سیاسی ایران و اقلیم کردستان عراق می‌تواند داشته باشد؟ همچنین با توجه به اهمیت مسئله رودخانه‌های مرزی برای همه نهادهای تصمیم‌ساز سیاسی هر کشور، شناخت هیدروپلیتیک زاب کوچک به عنوان رودخانه‌ای مشترک بین ایران و اقلیم کردستان عراق و تأثیری که این رودخانه می‌تواند بر روابط سیاسی فی‌مابین داشته باشد، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است.

روش تحقیق

نوع تحقیق حاضر توصیفی-تحلیلی است. با توجه به ماهیت و نوع موضوع مورد مطالعه، گردآوری اطلاعات و داده‌های تحقیق از روش‌های گوناگون و به طور کلی بر مبنای روش کتابخانه‌ای و اینترنتی صورت گرفته و تجزیه و تحلیل یافته‌ها نیز به طور عمده با شیوه تحلیل کیفی انجام پذیرفته است (یزدانی، ابراهیمی، سرداری و صفادل، ۱۳۹۱: ۴۲).

چارچوب مفهومی: ژئوپلیتیک آب یا هیدروپلیتیک

در حدود ۲۷۰۰ سال قبل، آشور بانیپال^۱، حاکم آشور، به عنوان بخشی از استراتژی جنگی خود در مقابل اعراب بر چشمه‌ها و چاه‌های آب مستولی شد. در همان زمان‌ها یک فرمانده آشوری با ویرانی کانال‌های آب شهر بابل این شهر را ویران کرد (فروغی، ۱۳۸۲: ۱۷۵). وقایعی از این گونه در بازه‌های تاریخی گاهی دیده می‌شوند و رفتارهای ساخت قدرت در

1. Assur Bonipal

قبال مسئله آب گاهی در میان نظامیان دیده شده است؛ اما نمی توان آن را متنی از ادبیات علم سیاست محسوب کرد. از این رو، شاید نخستین همنشینی های آب و سیاست در ادبیات علوم سیاسی را بتوان در کتاب استبداد شرقی اثر ویتفوجل^۱ سراغ گرفت که او در آنجا کوشیده است در برابر پارادایم تقلیل گرای مارکس، که سیر تحول جوامع را تک خطی و جهان شمول دیده بود، از «شیوه تولید آسیایی» و «حکومت های آب سالار» سخن بگوید و سیر تحول جوامع شرقی را بر مبنای نسبت آب و سیاست و ساختار قدرتی که از آن بر می آید، توضیح دهد، اما اصطلاح و تبار هیدروپلیتیک، چیزی جدای از این بحث های صرف در جامعه شناسی قدرت است. عنوان نظری هیدروپلیتیک یا آب سیاست، ظاهراً نخستین بار در عنوان کتابی با عنوان آب سیاست دره نیل، نوشته جان واتربری^۲ به کار رفته است؛ کتابی که در سال ۱۹۷۹م. از سوی انتشارات دانشگاه سیراکیوز^۳ منتشر شده است. البته این اصطلاح پس از آن تبدیل به یکی از اصطلاحات رایج در واژه شناسی علوم سیاسی شده و ادبیات موضوعی بسیار پرباری پیدا کرده است (مرادی طادی، ۱۳۹۶: ۷۴-۷۲). اصطلاح هیدروپلیتیک، به روابط بین کشورها اعم از همکاری یا جنگ و نزاع، با توجه به منابع آبی مشترک و پتانسیل موجود در این مورد اشاره دارد. هیدروپلیتیک منعکس شده از هیدرولوژیک و فرایندهای سیاسی است که در اکثر مرزهای آبی بین المللی یک موضوع بزرگ و نگران کننده است (Martignago, 2011: 74). هیدروپلیتیک را می توان علم مطالعه ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی آب تعریف کرد که هدف آن ارتقای ثبات سیاسی جوامع، امنیت منطقه ای، کامیابی و توسعه اقتصادی و توسعه پایدار زیست محیطی است (Kehl, 2011: 1). در رویکردهای مختلف درباره هیدروپلیتیک بر روی عواملی مانند درگیری و همکاری، بازیگری دولت ها و حضور در حوضه های آب ریز بین المللی تأکید می شود. در این میان، مایسنر^۴ در تعریفی از هیدروپلیتیک، آن را مطالعه سیستماتیک روابط میان دولت ها، بازیگران غیردولتی و سایر عناصر مانند نهادهای فرادولتی درباره استفاده انحصاری از آب های بین المللی می داند. در این تعریف، بر بررسی ارتباط میان بازیگران دولتی و غیردولتی، تأکید بر بازیگران و نهادهای درون و بیرون دولت ها،

1. Wittfogel
2. John Waterbury
3. Syracuse
4. Meissner



تلاش در جهت استفاده انحصاری از آب و اعمال حاکمیت‌های گوناگون بر رودهایی که هم جنبه ملی و هم جنبه بین‌المللی دارند، تأکید شده است (Turton, 2002: 15-16). آرون پی. ال‌هانس^۱ در کتاب معتبر خود با عنوان آب سیاست در جهان سوم، با تأکید بر اینکه آب نخستین و مهم‌ترین نیاز بیولوژیکی بشر است، هیدروپلیتیک را «مطالعه نظام‌یافته منازعات و همکاری‌ها میان دولت‌ها در خصوص منابع بین‌المللی آب» تعریف می‌کند (Elhance, 218: 1997). با دقت در مجموعه گزاره‌های ذکر شده، می‌توان هیدروپلیتیک را چنین تعریف کرد: «دانش مطالعه و بررسی منازعه و همکاری میان دولت‌ها، به عنوان بازیگر اصلی بر سر منابع مشترک آب». به این ترتیب، پیوند میان سیاست خارجی و چالش‌های آب از طریق هیدروپلیتیک برقرار می‌شود (عراقچی، ۱۳۹۳: ۹۹-۹۸).

در این راستا باید گفت که امروزه آب به عنوان یک موضوع ژئوپلیتیکی تجلی پیدا کرده است و بر روابط دولت‌ها تأثیر می‌گذارد. رودخانه زاب کوچک به عنوان یکی از منابع آبی مشترک همواره یکی از عوامل تأثیرگذار بر روابط سیاسی ایران و عراق (کردستان عراق) بوده است و بر مناسبات سیاسی این دو کشور سایه افکنده است. ایران به عنوان کشوری فرادست و دارای موقعیت جغرافیایی بالاتر نسبت به اقلیم کردستان عراق، از امتیازات و فرصت‌های نسبتاً بالاتری در بهره‌مندی از رودخانه زاب کوچک برخوردار بوده و همواره شروع به سدسازی و کلنگ‌زنی بر روی این رودخانه کرده است، که این خود می‌تواند اقلیم کردستان عراق را - که در موقعیت پایین‌دستی قرار دارد - در بهره‌مندی از رودخانه زاب کوچک در تنگنا قرار دهد و بر روابط سیاسی این کشور با اقلیم کردستان تأثیر به‌سزایی داشته باشد.

موقعیت جغرافیایی حوزه زاب کوچک

زاب کوچک^۲ یا زاب پایین^۳، رودخانه‌ای دائمی با آب شیرین، جاری در کشور ایران و اقلیم کردستان است که از به هم پیوستن چندین شاخه فرعی تشکیل شده است. این رودخانه که حدوداً ۳۶۸ کیلومتر طول دارد، ۳۰ کیلومتر مرز مشترک بین دو کشور ایران و عراق (اقلیم کردستان) را تشکیل داده است. زاب کوچک از ارتفاعات کیوه‌رهش (سیاه‌کوه) واقع در مرز

1. Arun P. Elhance
2. Little Zab
3. Lower Zab

ایران و اقلیم کردستان سرچشمه گرفته و به نام چم‌لاوین (لاوین‌چای) ابتدا در جهت غرب به شرق و سپس در جهت جنوب شرقی جریان یافته، در ۱۰ کیلومتری شرق پیرانشهر، با چم‌گده (آواجارچای) که از شرق به غرب و جنوب غربی جریان دارد متصل می‌شوند و از این نقطه به بعد زاب کوچک نامیده می‌شود. در آن بخش از زاب کوچک که خط مرزی ایران و اقلیم کردستان را تشکیل می‌دهد، شاخه چم‌چومان (بانه‌چای) که آب‌های محدوده شهرستان بانه را جمع کرده، به آن متصل می‌شود، سپس از گذرگاه آلان واقع در جنوب شهرستان سردشت وارد خاک کردستان عراق می‌شود و آب بخش غربی کردستان مکریان را جمع‌آوری کرده و به دریاچه سد دوکان در اقلیم کردستان می‌ریزد. زاب کوچک در مرز ایران و اقلیم کردستان، وارد استان سلیمانیه می‌شود و پس از آن در جهت جنوب غربی با وارد شدن به استان کرکوک^۱ و در بعضی نقاط با شکل دادن خط مرزی با مرز استانی اربیل (هه‌ولیر) امتداد می‌یابد تا اینکه در مرز استانی کرکوک با استان صلاح‌الدین عراق از خاک اقلیم کردستان و حوزه زاب کوچک خارج می‌شود و در فاصله ۸۰ کیلومتر از شمال شهر تکریت، به دجله می‌ریزد (نیرومندفرد و شهیدی، ۱۳۹۷: ۲۵۲-۲۶۶).

بخش شرقی زاب کوچک که در ایران واقع شده است، بیشتر در مناطق مرتفع و از دره‌ها و شیب‌های بسیار تند عبور می‌کند، به جز در چند نقطه که در بخش شمالی آن در ایران، دشت‌های وسیع پیرانشهر و خانه قابل توجه هستند و در بخش جنوبی آن سردشت و بانه که مساحت محدودی را دارند، قرار گرفته‌اند. پس از عبور از خاک ایران، زاب کوچک وارد مناطق بسیار کم‌ارتفاع‌تر و دشت‌مانند می‌شود که با عبور از شهر قلعه‌دزه به دشت‌های حاصلخیز حومه شهر رانیه و چوارقورنه و حاجی‌ئاوا می‌رسد. در این نقاط است که زاب کوچک به سد دوکان می‌ریزد و پس از آبیگری این سد، دوباره زمین‌های دشت‌گونه (اغلب برای مصرف کشاورزی)، شهرهایی همچون طوق و آلتون‌کپری (پردی) را رد می‌کند تا به سد کوچک دبس (دوبز) می‌رسد. زاب کوچک با آب‌دهی مناطق مذکور و پس از عبور از سد دبس دشت‌های منطقه بای‌حسن و الکاظمیه را در مسیر راه خود دارد تا در منطقه‌ای به نام الزاب وارد رودخانه دجله در مرز استانی کرکوک و استان صلاح‌الدین می‌شود. شایان ذکر است که زاب کوچک در پایین دست سد دوکان

۱. بر طبق ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق، استان کرکوک جزء خاک اقلیم کردستان محسوب می‌شود و برای اداره سیاسی این مناطق توسط اقلیم کردستان، مصوبه قانونی بر این مطلب استوار بود که در سال ۲۰۰۷ میلادی با مراجعه به همه‌پرسی، مردم این مناطق مورد مناقشه دولت اقلیم و حکومت مرکزی، تصمیم خود را مبنی بر اداره سیاسی حکومت اقلیم کردستان بر این مناطق ایراد دارند که دولت مرکزی عراق چندسالی است از این واقعه جلوگیری کرده است.

در مناطقی مرز استانی سلیمانیه با استان اربیل را ترسیم کرده و در نزدیکی شهر کوچک طقطق است که از مرز استانی سلیمانیه خارج می‌شود و از آن به بعد زاب کوچک تا منطقه آلتون‌کپری - مرز دو استان اربیل و کرکوک - را شامل می‌شود. نکته حائز اهمیت این است که حوزه زاب کوچک در هر دو کشور ایران و عراق (به خصوص ایران)، از لحاظ جغرافیایی در مناطق مرزی دو کشور واقع شده است. دوری از مرکز، یکی از ویژگی‌های اصلی مناطق مرزی است و این یک مسئله جغرافیایی می‌باشد که بیشتر از طبیعت مناطق مرزی ناشی می‌شود. اما آنچه ضریب افزایش پیامدهای نامطلوب این مسئله جغرافیایی را دو چندان می‌کند، سیاست‌های قومی مبتنی بر نگرش منفی و بیم توطئه است که دامنه این نگرش را در سیاست‌های آمایشی و مرکز محور می‌توان مشاهده کرد. با توجه به محرومیت شدید، ضعف ساختارها و زیربنای اقتصادی، آمار بالای بیکاری و جمعیت جوان مناطق مرزی، تقویت و انحراف مسیر امواج آمایشی و توسعه به سمت نواحی مرزی و حاشیه‌ای امری ضروری به نظر می‌رسد (خلیلی، حیدری و یاری، ۱۳۹۱: ۶۱)؛ به گونه‌ای که با لحاظ کردن مناطق مرزی و حاشیه‌ای در سیاست‌های استراتژیک و کلان، از میزان نارضایتی‌ها و کمبودها در این مناطق کاسته شود.

وضعیت فرهنگی - تمدنی حوزه زاب کوچک

حوزه آبریز و بستر عبور رودخانه زاب کوچک در کشور ایران و خاک اقلیم کردستان ناحیه‌ای را شامل می‌شود که از آن با عنوان کردستان نام می‌برند. واژه کردستان به سرزمینی اطلاق می‌شود که در آن اکثریت مردمش را کردها تشکیل می‌دهند. از نظر جغرافیایی این سرزمین در خاورمیانه قرار داشته و قسمتی از آن در غرب ایران واقع است. از دیرباز مناطق کردنشین ایران را با عنوان‌های کردستان موکریان، کردستان آردلان و کردستان کرمانشاهان تقسیم‌بندی کرده‌اند. رودخانه زاب کوچک از کردستان مکریان ایران سرچشمه گرفته و تا ورود به دجله از خاک اقلیم کردستان می‌گذرد. برای بررسی حوزه تمدنی - فرهنگی زاب کوچک و اشتراکات موجود، نام کردستان می‌تواند به عنوان عامل در اختیار ما باشد؛ چراکه با این وصف، حوزه زاب کوچک در منطقه‌ای جغرافیایی واقع شده که سکونتگاه آنتیک^۱ کُرد است. اسم آنتیک کُرد، برای شناسایی مردم حوزه زاب کوچک، در هر دو کشور ایران و عراق

می‌تواند گواه اشتراکات موجود در حوزه زاب کوچک باشد (خضری، ۱۳۷۹: ۵). در این راستا، برای بررسی اشتراکات تمدنی - فرهنگی مردم این حوزه، باید به بررسی عناصر بنیادی متعددی از جمله نژاد، زبان، دین، آثار باستانی، آداب و رسوم اجتماعی مردم گرد پردازیم. در خصوص مشخص کردن اشتراکات نژادی آتیک ساکن در حوزه زاب کوچک، به عنوان گروهی از کردها، نخست به نظر شرق‌شناس ولادیمیر مینورسکی^۱ می‌پردازیم که دیدگاهی تاریخی را در خصوص ریشه نژادی کردها مطرح کرده است. براساس این دیدگاه که به عنوان نظریه مسلط پذیرفته شده است، کردها اعقاب مادها و یک گروه قبیله‌ای (آریایی) هستند که در غرب و شمال غرب سرزمینی که ایران نام گرفت ساکن شده‌اند (احمدی، ۱۳۷۹: ۸۳). همچنین غلامرضا رشیدیاسمی در کتاب گرد و پیوستگی نژادی و تاریخی، کردها را یکی از شعبه‌های نژاد آریایی می‌داند که محققان را در آریایی بودن آنها شکی نیست (رشیدیاسمی، ۱۳۶۳: ۳). با این نگرش آنچه به عنوان مردم گرد ساکن در حوزه زاب کوچک در ایران و اقلیم کردستان می‌شناسیم، دارای اشتراکات نژادی هستند. در خصوص زبان، مینورسکی زبان‌شناس، زبان گردی را زبانی مستقل می‌داند که دارای قواعد، قوانین و لهجه‌های مخصوص به خود است (تابانی، ۱۳۷۹: ۴۳). به عقیده او ویژگی اساسی زبان گردی - که مشخصه آن در تمام لهجه‌هایش می‌باشد - این است که با وسعت پراکندگی قبایل گرد، پیوستگی زبانی آنها را با این فرض می‌توان توضیح داد که لهجه‌ها، همه از زبان پایه قدیم و نیرومندی نشأت گرفته‌اند که زبان مادی می‌باشد. تکلم مردم حوزه زاب کوچک، به زبان گردی با دو گویش سورانی و کرمانجی است. این زبان واحد و ریشه‌دار نیز همچون نژاد مردمان این حوزه، گزارشی از اشتراکات زبانی کردها به عنوان یک عنصر مشترک تمدنی - فرهنگی در میان کردهای هر دو کشور ایران و عراق است (یونسی، ۱۳۸۲: ۱۲-۱۳). کردهای حوزه زاب کوچک در هر دو کشور ایران و عراق بیش از هزار سال است که پیرو دین اسلام و شافعی مذهب هستند. امروزه و حتی در طول تاریخ نیز، دین یکی از عوامل پیوستگی کردها در هر کجا که باشند، بوده است. امروزه در حوزه زاب کوچک هم از لحاظ دینی و هم از لحاظ مذهبی، مردم این حوزه دارای اشتراکات غیر قابل انکار هستند. در طول تاریخ نیز گردان عقیده دارند که «پیش از تشرف به آیین اسلام زرتشتی بوده‌اند و در بسیاری از نقاط هنوز بقایای آتشکده باستانی وجود دارد». اکنون در حوزه زاب کوچک، در هر دو کشور موضوع بقایای

1. Vladimir Minorsky



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه‌ی دراست‌العلوم الاسلامی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

آتشکده‌ها صدق می‌کند. بنابراین، با این اسناد تاریخی حتی پیش از اسلام نیز همانند اکنون، دین آتیک حوزه زاب کوچک مشترک بوده است. در خصوص اشتراکات آثار باستانی نیز میراث باستانی مشترک متعددی در دو سوی حوزه زاب کوچک مشهود است که آتشکده‌ها یکی از این موارد هستند (بدلیسی، ۱۳۷۳: ۵۶).

آداب و رسوم اجتماعی کردها در حوزه زاب کوچک نیز مشترک است. آنها از مراسم سوگواری و عروسی گرفته تا بزرگداشت اعیاد باستانی، اشعار، موسیقی و نام‌گذاری فرزندان و آبادی‌ها بدون هیچ تفاوت چشمگیری دارای اشتراکات هستند. مردم حوزه زاب کوچک در دو کشور ایران و عراق، با یک نوع رقص در عروسی‌ها و با یک نوع سوگواری، مراسمات خود را انجام می‌دهند. آنها اعیادی همچون نوروز را با هم و به یک شیوه جشن می‌گیرند. اشعار، آواها و موسیقی مشترکی دارند. این مردمان از یک لیست اسم‌های خاص برای دختران و پسران خود استفاده می‌کنند. با توجه به رسم کوچ‌نشینی مشترک مردم این مناطق در چند سده گذشته، هنوز اشتراک اسمی آبادی‌های حوزه زاب کوچک مشهود است. در نهایت، اشتراکات موجود تا حدی است که بسیاری از عشیره‌ها و طایفه‌ها، در حوزه زاب کوچک در هر دو سوی خاک ایران و خاک اقلیم کردستان دارای رابطه شجره‌ای و خویشاوندی با هم هستند. واحد بودن تمدن و فرهنگ موجود در حوزه زاب کوچک، گواه این است که ماورای مرزهای دو کشور ایران و عراق، آتیک حوزه زاب کوچک زمینه و پتانسیل این را دارند که یک مجموعه تعلقات هویتی نسبت به یکدیگر داشته باشند (یونسی، ۱۳۸۲: ۱۹-۱۸). شکل‌گیری این هویت مشترک در دو کشور همسایه مطلبی عجیب نیست، اما این اشتراکات با عنوان قابلیت‌های ژئوکالچر درون تمدنی، می‌تواند آفریننده فرصت‌ها و تهدیدهای مختص به خود باشد و اساساً دولت‌ها بدون در نظر گرفتن این بُعد با پیامدهای صدمه‌وار تصمیم‌گیری‌های استراتژیک خود مواجه خواهند شد که هزینه‌های آن گزاف خواهد بود.

تأثیرات گوناگون احداث پروژه‌های آبی از سوی ایران در مسیر رودخانه زاب کوچک

کشور ایران در راستای نیاز شدید و رو به ازدیاد خود به آب‌های رودخانه‌هایی که از این کشور خارج می‌شوند، شروع به اعمال تصمیم‌گیری‌های آبی خود بر منابع آبی مشترک با کشور عراق کرده که جدیدترین آنها تصمیم‌گیری‌های آبی بر رودخانه مشترک زاب کوچک



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بای جهان اسلام

۱۴۰

سال نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۸

است. ایران ادامه‌دهنده وضعیت‌های حاکم بر منابع آبی در خاورمیانه و به عنوان کشوری تحت اهرم فشار آبی از سوی دو کشور افغانستان و جمهوری آذربایجان، تا حدودی شروع به تحمیل‌کردن سیاست‌های آبی خود به نسبت کشور عراق کرده که این موضوع، هم برای کشورهای ایران و عراق و هم برای منطقه تبعات و پیامدهایی به دنبال خواهد داشت. سیاست‌گذاری‌های ایران بر حوزه زاب کوچک در خصوص کنترل و انحراف آب، در قالب سدسازی‌ها و پروژه‌های انتقال آب انجام پذیرفته است. سدها بر حوزه زاب کوچک هم برای پروژه‌های آبیاری و تولید برق در این منطقه و هم برای ذخیره آب زاب کوچک و انحراف مسیر آن از طریق تونل‌ها احداث می‌شوند. هدف از پروژه انتقال آب نیز در حوزه زاب کوچک توسط کشور ایران، احیای دریاچه ارومیه است که طی سال‌های گذشته، به علت شرایط کاهش بارش‌ها، تصمیم‌گیری‌های آبی دولت و اعمال اشتباه آبی مردم در حوزه دریاچه ارومیه، مسیر خشک شدن و کم‌آبی شدیدی را طی می‌کند. در این راستا، بسیاری از کارشناسان خشک‌شدن دریاچه ارومیه را سرآغاز سر برآوردن بحران زیست‌محیطی عظیمی قلمداد می‌کنند که موجبات تأثیرپذیری زندگی حدود ۱۲ میلیون نفر از سکنه این منطقه و مناطق اطراف آن را فراهم می‌کند (سلطانی، موسوی و احمدآقبال، ۱۳۹۵: ۴۳). پیامدهایی همچون تجمع آب پشت سدها، انتقال آب یک حوزه به حوزه‌های دیگر، کم‌آبی و بی‌آبی - های حوزه‌های پایین‌دست، جنبه‌های گوناگون زیست‌محیطی را درگیر خود می‌کند. این طرح‌ها در حوزه زاب کوچک از سویی برای پیشبرد و عملی ساختن امور کشاورزی و آبیاری مدرنیزاسیون انجام پذیرفته تا بیشترین سود را از کمترین آب‌های موجود بهره‌مند شود و از میزان بسیار زیاد آب‌هایی که به‌خاطر روش آبیاری سنتی به هدر می‌روند، جلوگیری کند و از سوی دیگر، اهداف این تصمیم‌گیری‌های استراتژیک جلوگیری از یک بحران زیست‌محیطی به وجود آمده در استان‌های آذربایجان غربی و شرقی است که می‌تواند زندگی بخشی از کشور ایران را تحت تأثیرات مخرب خود قرار دهد.

بحران آب می‌تواند پیامدهای سیاسی - اجتماعی گسترده‌ای به همراه داشته باشد. کاهش رشد اقتصادی، تغییرات جمعیتی، رشد فزاینده آوارگان آب (افرادی که به دلیل خشکسالی از محل سکونت خود کوچ کرده‌اند) و حتی تغییرات در خلق و خوی افراد و رفتارهای اجتماعی، مسائلی هستند که همگی ناشی از کمبود و ضرورت آب خواهند بود و سبب شده‌اند تا پژوهشگران به



تأسی از نامگذاری قرن بیستم به قرن نفت، قرن بیست‌ویکم را به قرن نفت آینده^۱، یعنی قرن آب بنامند؛ قرنی که در آن آب تبدیل به موضوعی شده است که زاینده و زاینده درگیری‌های خشونت‌باری خواهد بود. بدیهی است که ژئوپلیتیک بحران در جنگ آبی، مناطق خشک و کم آب جهان خواهند بود که قاعدتاً خاورمیانه در صدر آنها قرار خواهد داشت (مرادی طادی، ۱۳۹۶: ۷۵). وضعیت رئالیستی حاکم بر هیدروپلیتیک خاورمیانه و هیدروهمژمونی^۲ مدنظر کشورهای بالادست، هرگونه تصمیم‌گیری سیاسی در حوزه‌های آبی مشترک را به امری مربوط به امنیت منطقه‌ای بدل کرده است. کشورهای اسرائیل و ترکیه سرآمد این وضعیت‌های همژمونی‌سازی آبی واحدهای ملی خود بوده‌اند. حال سدسازی‌ها و پروژه‌های انتقال آب از سوی کشور ایران بر حوزه‌های آبی مشترک با عراق و در میان آنها اخیراً زاب کوچک، در این وضعیت تنش‌های فزاینده آبی خاورمیانه، امنیت منطقه‌ای را درگیر خود کرده است؛ چرا که کشور عراق با قرار گرفتن در وضعیت بحران آبی تحمیل شده از سوی دو کشور ترکیه و سوریه، تصمیم‌گیری‌های آبی ایران را نیز از این دست کنترل‌های آبی و به عنوان پیش‌زمینه‌های استفاده ایران از اهرم آبی به نسبت عراق قلمداد می‌کند.

امروزه در سیاست‌های آبی هر دو کشور ایران و عراق، میزان اهمیت زاب کوچک به عنوان رودخانه‌ای مشترک فیما بین دو کشور، بسیار بیشتر از وضعیت قبل از اجرای تصمیم‌گیری‌های استراتژیک ایران در حوزه زاب و قبل از سربر آوردن بحران‌های آبی در منطقه خاورمیانه است. در این وضعیت، دو عامل یکی آنکه تنش‌های آبی در خاورمیانه، روندی فزاینده به خود گرفته است و دوم اینکه قرار گرفتن کشور ایران نیز در بالادست کشور عراق از لحاظ توپوگرافی که دست ایران را در کنترل و انتقال آب زاب کوچک و رودخانه‌های دیگر باز گذاشته، پتانسیل آن را دارند که بر تنش‌ها و برخوردهای آبی منطقه بیفزایند. بنابراین، در این شرایط سیاست‌گذاری‌های کلان ایران بر رودخانه زاب کوچک، می‌تواند موضوع مناقشه‌های نوینی باشد که حتی منابع قدیمی مشاجره را تحت الشعاع خود قرار دهد (نامی و محمدپور، ۱۳۸۷: ۳۳۵-۳۳۶). از سوی دیگر، دخل و تصرف انسان در تغییر محیط طبیعی می‌تواند موجب شود که وضعیت موازنه‌ای موجود را به هم بزنند و مجموعه‌ای از پیامدهای ناخواسته و پیش‌بینی‌ناپذیر را به همراه داشته باشد. در این میان، احداث سدها به عنوان نمونه‌ای از دخل و تصرف انسان در محیط طبیعی، دارای اثرات

1. Next Oil

2. Hydro-hegemony

مختلف زیست‌محیطی، اقتصادی، امنیتی و حقوقی است. بورک^۱ و دیگران (۲۰۰۹) در پژوهشی، به تبیین اثرات زیست‌محیطی سدها بر یک رودخانه غربی آمریکای شمالی پرداخته‌اند. آنها پیامد احداث سدهای متعدد را موجب تغییر بستر رودخانه، تغییر در قدرت جریان آب و بروز صدمات بسیار بر اکوسیستم خشکی، محیط اقتصادی و اجتماعی می‌دانند. همچنین ریچتر^۲ و دیگران (۲۰۱۰)، ضمن توجه به گزارش کمسیون جهانی سدها (که در سال ۲۰۰۴ م. بر صدویست سد، مبنی بر وجود مشکلات اجتماعی و زیست‌محیطی در پروژه‌های توسعه‌ای سدها انجام گرفته بود)، به بررسی پیامدهای احداث سد بر زندگی افراد در پایین‌دست سدها در کشور برزیل پرداخته‌اند. این پژوهش تأثیرات مخرب سدها بر مردم پایین‌دست را بررسی کرده و نسبتاً متفاوت از شمار زیاد تحقیقاتی است که بیشتر پیامدهای اجتماعی، زیست‌محیطی، اقتصادی و امنیتی سدها را در بالادست سدها بررسی می‌کنند. به عنوان نمونه، رحمتی و نظریان در پژوهشی بر سد گتوند، واقع بر رودخانه کارون، به مطالعه آثار اقتصادی-اجتماعی و زیست‌محیطی سکونتگاه‌های بالادست سدها که مشمول جابه‌جایی ناشی از احداث سد بوده‌اند، پرداخته‌اند و نتیجه را در بدتر شدن شرایط زندگی مردم و ضعف اقتصاد محلی و منطقه‌ای یافته‌اند (رحمتی و نظریان، ۱۳۸۹: ۵۶). منتقدان انتقال بین حوضه‌ای آب به پیامدهای زیست‌محیطی منفی این اقدام، همچون برهم خوردن اکوسیستم رودخانه، خشک شدن چشمه‌ها، قنات و تحلیل سفره‌های آب زیرزمینی، بیابان‌زایی و تغییر اقلیم تأکید می‌کنند. همچنین مخالفان این اقدام در مورد چالش‌های اقتصادی پروژه‌های انتقال آب، همچون هزینه‌های سنگین ملموس و غیرملموس برای اجرای طرح انتقال، کاهش سود بخش کشاورزی، توقف تولید در صنایع کوچک وابسته به کشاورزی، افزایش قیمت آب مصرفی و کاهش ارزش زمین به نتیجه‌گیری رسیده‌اند (سلطانی، موسوی و احمدآقبال، ۱۳۹۵: ۳۷). اگرچه دو عامل «تغییرات آب و هوایی» و «رشد فزاینده جمعیت» نیز در تشدید بحران آب و به طور کلی در اقتصاد سیاسی آب در جهان نقش ایفا می‌کنند؛ به گونه‌ای که تغییرات آب و هوایی موجب افزایش دما و در پی آن تبخیر آب و همچنین تشدید نابرابری توزیع منابع آب شیرین می‌شود (Goldsmith, 1990: 42)، اما چگونگی تقسیم آب‌های مشترک و حفاظت زیست‌محیطی از آنها و همچنین اداره و کنترل کمی و کیفی حوضه‌های آبریز مشترک و نحوه اجرای پژوهش‌های آبی در آنها و حل و فصل اختلافات ناشی از بهره‌برداری از این منابع، مهم‌ترین

1. Burke
2. Richter

چالش‌های پیش‌روی جامعه بین‌المللی در آب‌های مشترک بوده که باید برای رفع آنها راهکارهایی مناسب ارائه شود (نیرومندفرد و شهیدی، ۱۳۹۷: ۲۴۸). در این میان، نمی‌توان به چالش‌های امنیتی و حقوقی احتمالی ناشی از انتقال آب‌ها، همچون ایجاد تنش‌های قومی بین حوزه مبدأ و مقصد، افزایش حملات خرابکارانه، ایجاد اندیشه شورش و استقلال‌طلبی در صورت احساس بی‌عدالتی اجتماعی، افزایش بحران‌های ژئوپلیتیکی بین کشورهای منتفع از آب و امکان شکایت کشورهای همجوار به مجامع بین‌المللی اشاره نکرد (اخباری، عبدی و مختاری‌هشی، ۱۳۸۶: ۱۹). با این نگرش پیامدهای مربوط به تصمیم‌گیری‌های استراتژیک ایران بر روی رودخانه زاب کوچک به سبب موقعیت بالادستی این کشور نسبت به اقلیم کردستان عراق در قالب احداث سدها و پروژه‌های انتقال آب، می‌تواند شامل جنبه‌های زیست‌محیطی، اقتصادی، حقوقی و امنیتی باشد که این خود می‌تواند نقش به‌سزایی در اتخاذ سیاست‌گذاری‌های منطقه‌ای اقلیم کردستان نسبت به جمهوری اسلامی ایران ایفاء کند.

تأثیر تصمیم‌گیری ایران بر رودخانه زاب کوچک بر روابط سیاسی آن با اقلیم کردستان عراق

در بین مناطق جهان، بدون تردید بیشترین مسائل هیدروپلیتیک را خاورمیانه دارد. در حدود ۹۰ درصد آب خاورمیانه به صورت آب مشترک فرامرزی است. جمهوری اسلامی ایران با استقرار در منطقه مهم استراتژیکی و برخورداری از چندین رود بین‌المللی از این حیث مستثنی نیست. ایران همواره بر سر تقسیم آب‌های مرزی با همسایگان خود اختلاف داشته است و بیش از ۲۵ جنگ را در طول چهارصد سال گذشته در این خصوص تجربه کرده است. شاید مناقشه‌برانگیزترین این حوزه‌ها، مرز مشترک ایران با عراق باشد که به‌رغم قراردادهای و توافقات بسیار، مسائل آن تاکنون حل نشده و یک جنگ هشت ساله با پیامدهای منفی بسیار برای هر دو کشور را موجب شده است (نیرومندفرد و شهیدی، ۱۳۹۷: ۲۳۶). موقعیت جغرافیایی ایران در نیمکره شمالی و واقع شدن آن در منطقه معتدله و کمربند صحرایی زمین، زیرساختی چهار فصل و نیز صحرایی به آن بخشیده و تحت تأثیر عوامل درونی و بیرونی، ساختار اقلیمی خاصی را به وجود آورده است. در اثر ترکیب این عوامل، الگوهای اقلیمی متنوعی در ایران پدید آمده است که هر یک بخشی از فضای جغرافیایی ایران را پوشش می‌دهند. در میان کشورهای مجاور، کشور ایران با کشور عراق از نظر جریانات آب‌های

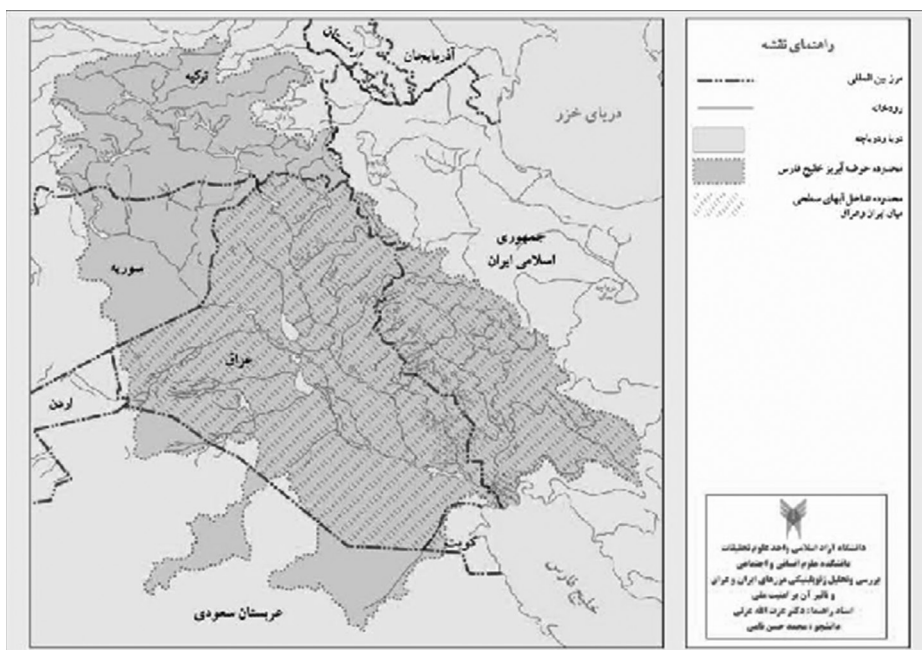


فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های نوین در اسلام

۱۴۳

تأثیر هیدروپلیتیک زاب کوچک بر روابط سیاسی ایران و ...

سطحی بیشترین پیوند توپوگرافی و تداخل حوزه آبریز را دارد و به دلیل قرار گرفتن ایران در بالادست و داشتن موقعیت کوهستانی، سالیانه میلیاردها متر مکعب آب این کشور به سرزمین عراق جریان می‌یابد (همان: ۲۴۴-۲۴۳) که ایران با مهار آب‌های ورودی به عراق از جمله رودخانه زاب کوچک، در آینده روابط خود با این کشور، به عنوان کشور فرادست از قدرت مانور بیشتری برخوردار خواهد شد. ایران در ۵۳ درصد رودخانه‌های مرزی، موقعیت بالادست و در ۴۷ درصد، موقعیت پایین‌دست دارد. بنابراین، باید راهبرد واحد و هماهنگی در قبال رودخانه‌های مرزی اتخاذ شود (بازدار، پیشگاهی فرد و فرجی‌راد، ۱۳۹۵: ۱۶۴).



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱۴۴

سال نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۸

نقشه ۱. تداخل حوزه‌های آبریز ایران و عراق و رودخانه‌های ورودی ایران به خاک عراق (هاشمی،

فرجی‌راد و سرور، ۱۳۹۵: ۷۹)

رشد اقتصادی سریع وضعیت بحرانی آب منطقه خلیج فارس را نیز بدتر می‌کند. استخراج بیش از حد منابع آب زیرزمینی با اهداف کشاورزی- به ویژه برای غلات و حبوباتی که به شدت «نیازمند آب» هستند- به سرعت منابع آب شیرین محدود فعلی را رو به اتمام می‌برند (پوراحمد و حیدری، ۱۳۹۵: ۱۵۴). تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها بر روی حوزه زاب کوچک، بالتبع بر آب شیرین این منطقه نیز اتخاذ می‌شود. آبی که جایگزین ندارد و تنها ماده‌ای است که وجود



آن برای تولید مواد غذایی، توسعه اقتصادی و بقای موجودات ضروری است (حافظ‌نیا، ۱۳۹۶: ۱۰۰). امروزه در مورد اهمیت مقوله آب در روابط سیاسی نیز مانند همه جنبه‌های پر اهمیت دیگر آن، مطالب بسیاری مطرح شده؛ تا جایی که بر مبنای تغییر و تحولاتی که در شرایط زیستی بشر بر روی کره خاکی در طول سده گذشته رخ داده، الزامات و ضرورت‌هایی شکل گرفته که به آب جنبه‌ای سیاسی بخشیده است (مرادی طادی، ۱۳۹۶: ۸۷). در چند دهه اخیر، بیشتر کشورها در خصوص مشکلات ناشی از کم‌آبی و تبعات آن، سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای در حوزه‌های آبی انجام داده‌اند. تصمیم‌گیری‌های استراتژیک بر حوزه رودخانه زاب کوچک، که می‌تواند بر ژئوکالچر این حوزه و بر روابط سیاسی کشور ایران و اقلیم کردستان مؤثر باشند، مربوط به ساختن سدها و پروژه‌های انتقال آب بر این حوزه آبی بوده است که در این خصوص ایران نسبت به عراق دست بالا را داشته و از قدرت چانه‌زنی نسبتاً بالایی برخوردار بوده است. بنابراین، ایران به عنوان کشوری فرادست و دارای ذخایر آبی غنی، اهرم‌های اعمال فشار بیشتری برای زیر فشار گذاشتن همسایه نیازمند خود خواهد داشت که این مسئله به شدت بر توازن منطقه‌ای اثرگذار بوده و منطقه را وارد مرحله‌ای از بی‌ثباتی و ناامنی خواهد کرد. دو کشور ایران و عراق با مد نظر قرار دادن اهمیت رودخانه مشترک زاب کوچک در راستای منافع خود، تصمیم‌گیری‌هایی بر این حوزه اتخاذ کرده و از این پس نیز خواهند نمود. در این راستا، از طرف کشور عراق، بر روی رودخانه زاب کوچک سد دوکان^۱ و سد دیبس^۲ احداث شده‌اند. سد دوکان در استان سلیمانیه کردستان عراق در سال ۱۹۶۱ میلادی به بهره‌برداری رسیده و سد دیبس در استان کرکوک کردستان عراق در سال ۱۹۶۵ احداث شده است (عبدی و مختاری‌هشی، ۱۳۸۴: ۲۱۴). کشور ایران نیز در بستر زمانی متفاوت به نسبت دو سد کشور عراق در خاک اقلیم کردستان، بر رودخانه زاب کوچک شروع به طرح‌پردازی، کلنگ‌زنی، احداث و بهره‌برداری-های استراتژیک خود کرده، که از این میان می‌توان به سد بزرگ سردشت، سد کانی سیو، سد سیلوه، سد باوله (طرح انتقال آب خریاپ) اشاره کرد. از سدهای مخزنی سیلوه و کانی سیو در قالب سیستم جمع‌آوری و انتقال آب به حوزه رودخانه گدار (گادر) و در نهایت به دریاچه ارومیه استفاده می‌شود. سیاست‌گذاری‌های دولت ایران در حوزه رودخانه زاب کوچک، به نسبت عراق و اقلیم کردستان، بر روابط سیاسی دو کشور تأثیرگذاری بیشتری دارد. چرا که آب رودخانه زاب کوچک از کشور

1. Dokan Dam

2. Dibbis Dam

ایران که از لحاظ توپوگرافی در ارجعیت قرار دارد، به سمت کشور عراق (کردستان عراق) جاری است. گواه این ادعا سده‌سازی‌های کشور عراق در نیمه دوم قرن بیستم میلادی بر روی رودخانه زاب کوچک است که از لحاظ عملی، تأثیری در روابط سیاسی ایران و اقلیم کردستان نداشته است (این مطلب بدان معنا نیست که تصمیمات استراتژیک کشور عراق نمی‌تواند هیچ‌گونه تأثیری بر روابط سیاسی ایران و اقلیم کردستان داشته باشد). در این میان باید گفت که سیاست‌گذاری‌های آبی از جانب کشور ایران که با عنوان پروژه‌های انتقال آب و سده‌سازی‌ها، بر رودخانه زاب کوچک احداث شده یا در مراحل پایانی احداث هستند، موجب بروز حساسیت‌ها، اعتراضات و تأثیرگذاری در هر دو بُعد داخلی و خارجی شده که این امر نیز می‌تواند روابط سیاسی ایران و اقلیم کردستان عراق را تحت تأثیرات جدی قرار دهد.

همان‌طور که بیان شد، تحت عنوان تصمیم‌گیری‌های استراتژیک، پروژه‌های متنوع سده‌سازی و انتقال آب بر روی رودخانه زاب کوچک انجام گرفته است. از احداث دو سد کشور عراق بر زاب کوچک در حوزه اقلیم کردستان بیشتر از نیم قرن می‌گذرد و در روابط سیاسی دو کشور ایران و عراق و ایران و اقلیم کردستان از لحاظ عملی تأثیری نداشته است. اساساً آنچه موجبات تأثیرگذاری بر روابط سیاسی ایران و اقلیم کردستان را فراهم می‌آورد، تصمیم‌گیری‌های استراتژیک کشور ایران بر حوزه زاب کوچک است؛ چرا که موقعیت توپوگرافی کشور ایران به نسبت اقلیم کردستان در ارجعیت قرار دارد و آب‌ها از سوی کشور ایران به خاک کردستان عراق جاری می‌شوند (مرادی‌طادی، ۱۳۹۶: ۸۹). در این راستا، برخی از طرح‌های کشور ایران بر رودخانه زاب کوچک همچون سد بزرگ سردشت، سد سیلوه و پروژه انتقال آب جلدیان به مرحله بهره‌برداری رسیده و یک مورد نظیر پروژه انتقال آب کانی سیو با پیشرفت فیزیکی چشمگیر نیز در مراحل پایانی احداث است که در این رابطه، طرح اجرای سد باوله هم اینک در مرحله دست به کار شدن می‌باشد.

پیامدهای منفی زیست‌محیطی، اقتصادی، امنیتی و حقوقی سیاست‌گذاری‌های استراتژیک کشور ایران بر حوزه زاب کوچک کم‌کم به صورت محسوس نمایان می‌شوند. وجود این پیامدها و تأثیرات محسوس در زندگی مردم بر روابط سیاسی ایران و اقلیم کردستان تأثیر می‌گذارد. در جریان آب‌گیری سد سردشت در تیرماه سال ۱۳۹۶ش، رودخانه زاب کوچک در پایین دست سد خشک شد و موجب تلف شدن ماهی‌ها و خشک شدن زمین‌های کشاورزی شد که اعتراضات



دولت و مردم اقلیم کردستان عراق را به همراه داشته است. در این میان، افتتاح سد سیلوه و پروژه انتقال آب جلدیان، پیشرفت فیزیکی چشمگیر پروژه انتقال آب سد کانی سیو، طرح پروژه انتقال آب باوله (که در همین ابتدا، اعتراضات فراوان گروه‌های محیط‌زیست‌گرا و نخبگان محلی را به همراه داشته‌اند) و انبوهی از سدهای کوچک دیگر بر حوزه‌های آبریز بادین‌آباد و پردانان، نیز بر وضعیت کم‌آبی زاب کوچک - جاری در پایین‌دست این پروژه‌ها - که در خاک اقلیم کردستان قرار گرفته است، خواهد افزود و این وضعیت می‌تواند ضمن برانگیختن تحرکات قومی واقع در اطراف رودخانه زاب کوچک، روابط سیاسی ایران و عراق (کردستان عراق) را وارد مرحله جدیدی از تنش و بی‌ثباتی کند که در این رابطه، هیدروپلیتیک ایران در برخورد با اقلیم کردستان باید رویکردی تنش‌زدا و هیدرودپلماسی داشته باشد (نیرومندفرد و شهیدی، ۱۳۹۷: ۲۴۶). همچنین چنان‌که حکومت مرکزی عراق که با توجه به وضعیت حقوقی دولت - ملت فدرال این کشور، باید به مسئله‌های آبی با کشور ایران ورود نماید، نتواند هیدرودپلماسی کارآمدی در خصوص وضعیت حقوقی آب‌های اقلیم کردستان با ایران به اجرا در آورد و مردم کرد منطقه ضررمند هیدرودپلماسی عراق به نسبت ایران شوند، مشخصاً به عدم اعتماد فزاینده ساکنان این اقلیم به قدرت بغداد منجر می‌شود. بنابراین باید گفت که رودخانه زاب کوچک می‌تواند موجبات بروز تنش و نزاع و تأثیرگذاری بر امنیت ملی عراق را فراهم آورد که این خود می‌تواند دورنمای صلح و ثبات را در منطقه خدشه‌دار کند.

چشم‌انداز آینده هیدروپلیتیک ایران و کردستان عراق باید بر محور مدیریت مشترک دو کشور در رودخانه زاب کوچک باشد. بُعد اِکوپلیتیکی^۱ این تصمیم‌گیری‌ها می‌تواند با تبعات کم‌آبی و تقلیل رفتن سفره‌های آب زیرزمینی در پایین‌دست سدها شروع شود (قنواتی، خضری و طالب‌پوراصل، ۱۳۹۴: ۴۲). آب‌های کم‌باقیمانده که به نسبت آب‌های جاری زیاد زودتر و بیشتر گرم می‌شوند، موجب بخار و کم شدن بیشتر آب و همچنین کاهش اکسیژن می‌شود. کاهش اکسیژن نیز موجب پایین آمدن کیفیت آب و افزایش پتانسیل آب برای آلودگی می‌گردد. در این میان، حوزه زاب کوچک در پایین‌دست پروژه‌ها با گیاهان بی‌سود پوشش داده می‌شود و میزان آبریان سودمندی همچون ماهی در این حوزه کاهش خواهد یافت. همچنین کم شدن آب موجب از دست رفتن ظرفیت خودپالایی آب می‌شود که در حالت طبیعی زاب کوچک با میزان

1. Ecopolitic

زیاد آب خود می-توانست این امر را انجام دهد. از طرف دیگر، کم شدن آب زاب کوچک به روشنی موجبات تغییر آب و هوایی منطقه‌ای را فراهم می‌آورد که بر وضعیت جنگل‌های بی‌مثال این حوزه اولین تأثیر را خواهد گذاشت و به نوبه خود بر بسیاری از جانوران و حیوانات منطقه که توانایی سازش با وضعیت آب‌وهوایی تازه را ندارند، تأثیر خواهد گذاشت و به احتمال زیاد کوچ و نابودی را برای آنها به دنبال خواهد داشت. همراه با این پیامدهای زیست‌محیطی که سدها و پروژه‌های انتقال آب در حوزه زاب کوچک به همراه دارند، پیامدهای وجود گسل سراسری زاگرس که از جنوب غربی آبخوان پیرانشهر می‌گذرد، در لایه‌های زیرین زمین نیز وجود دارد. پیش‌بینی می‌شود که وجود گسل‌ها، ضمن ایجاد نشست زمین و ایجاد شکاف در این بخش از حوزه زاب کوچک (همان: ۲۹)، با جمع شدن آب پشت سدها و وزن بسیار این حجم آبی فعال شوند و مردم کرد منطقه در هر دو سوی ایران و اقلیم کردستان تحت تأثیر زلزله‌های پیش‌رو قرار بگیرند. هریک از این جنبه‌های زیست‌محیطی می‌تواند به شیوه‌ای، یک امر مؤثر بر زندگی مردم منطقه تلقی شود و در قالب هیدروپلیتیک زاب کوچک موجبات تأثیرگذاری بر روابط سیاسی کشور ایران با دولت اقلیم کردستان را فراهم آورد.

این جنبه‌های اِکوپلیتیکی حوزه زاب کوچک بر روابط سیاسی دو کشور ایران و عراق می‌تواند چندین بُعد تأثیرگذاری داشته باشد. کنترل آب حوزه زاب کوچک و انتقال آن به حوضه‌های آبریز داخلی که از سوی ایران انجام می‌گیرد، می‌تواند از میزان قابلیت آبی عراق و البته قبل از عراق از قابلیت‌های آبی منطقه اقلیم کردستان عراق بکاهد. مسئله‌ای که در همین ابتدا از سوی افراد دانشگاهی اقلیم کردستان مورد کنکاش و بررسی قرار گرفته و در قبال سدسازی‌های ایران بر روی رودخانه‌های مشترک، شمار بسیار زیادی سدسازی‌های کوچک و بزرگ را بر مسیر آب‌های باقیمانده و مقدار آب‌های ناچیز داخلی و آب-های جاری شده از ترکیه (همچون زاب بزرگ)، برای امر آبیاری‌های کشاورزی و تولید برق پیشنهاد نموده‌اند (همان: ۴۷). این مسئله می‌تواند عملاً قدرت استراتژیک آبی اقلیم کردستان عراق را به نسبت حکومت بغداد پایتخت بالا ببرد و مخصصه آبی به مخصصه‌های دیگر این دو حکومت اقلیمی و مرکزی افزوده شود که چندی است با طرح و عملی کردن پروژه همه‌پرسی اقلیم کردستان به اوج خود رسیده بود که البته در نهایت، این سدسازی‌ها و کنترل آب‌ها از سوی اقلیم کردستان عراق، دشت-های وسیع جنوبی و تالاب‌های باقیمانده جنوبی عراق و همچنین حتی شهرها و آبادی‌ها و کشاورزی گره خورده

به رودخانه دجله را تحت تأثیرات کم آبی و حتی بی آبی قرار می دهد و زمینه های خشک شدن نواحی جنوبی عراق را در پی خواهد داشت که با توجه به بادهای غربی خاورمیانه که از سمت کشور عراق به ایران وارد می شوند، به راحتی بستر چند برابر شدن بحران ریزگردها را برای ایران و منطقه به دنبال خواهد داشت.

حرکت توده های ابری به خاورمیانه که از سمت کردستان عراق وارد ایران می شوند، نیز می تواند جنبه ای از زمینه های تأثیرگذاری زیست محیط سیاسی حوزه زاب کوچک بر روابط سیاسی ایران و عراق باشد و آن از این جهت که حکومت اقلیم کردستان با توجه به کاهش و فقدان منابع آبی خویش، در ازای کنترل آب های خروجی از سمت ایران می تواند برای جبران منابع آبی سطحی و زیرزمینی (با توجه به طرح سدسازی های مطرح شده) و همچنین جلوگیری از نابودی کشاورزی و خشک شدن زیست محیط خویش به فناوری بارور کردن ابرها روی بیاورد و به میزان قابل توجهی از بارش های سالیانه نواحی غربی ایران که از این توده های ابری مذکور تأمین می شوند، بکاهد که این خود می تواند از جنبه های تأثیرگذاری اِکوپلیتیکی بر روابط سیاسی ایران و عراق و اقلیم کردستان باشد. این تأثیرگذاری های منفی در حالی است که زیست محیط بکر، زیبا، باستانی، متفاوت و مرزی بودن زاب کوچک در هر دو کشور ایران و عراق به راحتی می تواند زمینه های همگرایی دو کشور را در مباحث جهانگردی و برای توسعه منطقه و روابط سیاسی دو کشور فراهم آورد.

بُعد اقتصادی حوزه زاب کوچک، به عنوان یکی از اصلی ترین عامل های تأثیرگذاری بر روابط سیاسی ایران و اقلیم کردستان، نیز تحت تأثیر تصمیم گیری های استراتژیک، قرار خواهد گرفت. کم آبی و فقدان آب، بیشتر اقتصاد کشاورزی منطقه های پایین دست را درگیر خواهد کرد. در این میان، وجود بی شمار کشاورزانی که سال هاست از وجود آب های زیرزمینی (که با کم آبی زاب کوچک به تقلیل خواهند رفت) و آب رودخانه در این حوزه برای کشاورزی بهره برده اند، بر اهمیت و حساسیت این موضوع افزوده است؛ به طوری که همچون مردم روستاهای بالادست که اقتصاد روستایی شان با زیر آب رفتن آبادی ها، زمین های کشاورزی و مراتع شان نابود شده و مجبور به ترک منطقه شدند، ممکن است مردم پایین دست سدها نیز با عامل بی آبی، تصمیم به کنار گذاشتن کسب و کار خود بگیرند و سیل مهاجرت به شهرها را راه بیندازند که در نتیجه بر وضعیت اقتصادی مردم منطقه و وضعیت اقتصادی اقلیم کردستان تأثیر منفی خواهد گذاشت. از

طرف دیگر نیز تعادل رودخانه زاب کوچک به عنوان یک سیستم در اثر کاهش ورودی به هم خواهد خورد و رودخانه در تلاش برای رسیدن به تعادل جدید، تغییرات اساسی در شکل بستر و تراس‌های کناری آن به وجود خواهد آورد که این تغییرات خود می‌تواند خسارت‌های مالی، به همراه داشته باشد و بر افزایش تنش‌های اجتماعی و قومیتی در منطقه خواهد افزود (همان: ۸۶).

از پیامدهای احداث سدها و پروژه‌های انتقال آب در مسیر رودخانه زاب کوچک می‌توان به دامن زدن بر تبلیغات قوم-گرایانه، افزایش حملات خرابکارانه، افزایش بحران‌های ژئوپلیتیک در روابط ایران و عراق، حمایت از گروه‌های آنتیکی ایران در خارج از مرزها، تنش در روابط ایران با دولت و مردم عراق (اخباری، عبدی و مختاری‌هشی، ۱۳۸۶: ۱۷)، افزایش قدرت استراتژیک گُردها، استفاده از سدها به عنوان اهرم انسانی و نظامی در هرگونه درگیری و تنش نظامی در منطقه (مانند آنچه که داعش در سد موصل در جریان اشغال عراق از تهدید به قطع آب و برق و انفجار سد انجام می‌داد) نام برد که این عوامل می‌توانند در قالب ابعاد امنیتی هیدروپلیتیک زاب کوچک بر روابط سیاسی کشور ایران و اقلیم گُردستان تأثیر به‌سزایی داشته باشند. این در حالی است که موقعیت پروژه‌های آبی غرب کشور می‌تواند ابزار تبلیغی مناسبی را در اختیار مخالفان ایران قرار داده تا به تبلیغات ضدایرانی خود وجهه عامه‌پسندی بدهند. بدیهی است در صورت اجرای طرح‌ها و پروژه‌های آبی در حوزه زاب کوچک و متضرر شدن جدی کردهای عراقی، اقدامات تحریک‌کننده می‌تواند مؤثر واقع شده و امنیت منطقه را تحت تأثیر قرار دهد (سلطانی، موسوی و احمداقبال، ۱۳۹۵: ۴۸).

از دوران صفویه و عصر گسترش تشیع در ایران، رقابت‌ها و اختلافات ترک و کرد در قالب شیعه و سنی آغاز و تاکنون به صورت‌های مختلفی ظاهر شده است. این اختلافات به حدی ریشه مذهبی دارد که امروزه در منطقه به جای شیعه، ترک و به جای سنی، کرد استفاده می‌شود. کردها در دوره‌های مختلف تاریخی این خصومت خود را در برابر ترک‌ها بروز داده‌اند که از جمله آن می‌توان به رویدادهای انقلاب مشروطه و محاصره تبریز، شورش اسماعیل آقا سیمکو، رویدادهای ناشی از ورود نیروهای انگلیس و آمریکا در دهه ۲۰، حوادث انقلاب اسلامی و درگیری‌های کردستان در دهه ۶۰ و ... اشاره کرد (اخباری، عبدی و مختاری‌هشی، ۱۳۸۶: ۲۱).

بنابراین بدیهی است که این قضیه از سوی گروه‌های جدایی طلب و برخی کشورهای خارجی دامن زده خواهد شد و این امر می‌تواند واکنش کردها و در نتیجه شدید شدن رقابت میان کرد و آذری را در پی داشته باشد. پیامد دیگر ناشی از تصمیم‌گیری‌های



استراتژیک بر حوزه زاب کوچک، محدودیت‌های اِعمالی از سوی مقررات و قوانین بین‌المللی علیه کشورهای مبدأ در برداشت از رودخانه‌های مشترک است. وجهه حقوقی کاهش یا قطع آب زاب کوچک از سوی کشور ایران، می‌تواند به طرح شکایت اقلیم کردستان از طریق حکومت مرکزی در مجامع بین‌المللی منجر شود؛ چرا که بر اساس مقررات و اصول روابط بین‌الملل، انحراف جریان آب رودخانه‌های مشترک توسط دولت‌های بالادست رودخانه، به زیان دولت‌های پایین‌دست ممنوع است و «هیچ دولتی اجازه ندارد وضعیت و شرایط طبیعی سرزمین خود را به زیان دولت همسایه خود تغییر دهد» (جعفری‌ولدانی، ۱۳۸۸: ۸۷). در اصل ۴۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است که آب جزء انفال و سرمایه ملی تلقی می‌شود. بنابراین، سیاست وزارت نیرو این است که منابع آب هر منطقه‌ای تنها به مردم آن منطقه تعلق ندارد، بلکه آنها در اولویت بهره‌برداری و استفاده بهینه از آن آب‌ها قرار دارند و دسترسی به آب برای شرب و بهداشت حق همگان است. همچنین با رعایت اولویت بهره‌برداری، طرح‌های انتقال آب پس از مطالعات اقتصادی، اجتماعی، فنی و زیست‌محیطی صورت می‌گیرد. همچنین قوانین و معیارهای سازمان جهانی یونسکو برای طرح‌های انتقال آب بین حوزه‌ای بدین گونه است: ۱. حوزه مبدأ نباید با کمبود جدی آب مواجه شود؛ ۲. کیفیت محیط‌زیستی در حوزه‌های مبدأ و مقصد تهدید و تخریب نشود؛ ۳. اجرای طرح نباید سبب بروز اختلالات اساسی اجتماعی و فرهنگی شود؛ ۴. منافع خالص ناشی از اجرای طرح به طور عادلانه میان حوضه‌ها تقسیم شود (دانش‌مهر، احمدرش و کریمی، ۱۳۹۸: ۸). این مسائل حقوقی ناشی از خشک شدن یا کاهش آب رودخانه زاب کوچک نیز جنبه دیگر تأثیرگذاری تصمیمات استراتژیک کشور ایران بر روی رودخانه زاب کوچک است که می‌تواند پیامدهای گوناگونی را برای وضعیت آبی این رودخانه در خاک اقلیم کردستان عراق، که در موقعیت پایین‌دستی قرار دارد، در پی داشته باشد. امروزه با توجه به مقررات موجود در حقوق بین‌الملل رودخانه‌های بین‌المللی، این موضوع مطرح است که کشور بالادست در مورد طرح‌های مربوط به انحراف رودخانه‌های بین‌المللی باید رضایت کشورهای پایین‌دست را کسب نماید و این طرح‌ها نباید کشور پایین‌دست را در تنگنا قرار دهد. بنابراین، اگر ایران نتواند رضایت کردستان عراق را جلب کند از نظر مقررات مربوط به حقوق بین‌الملل، دچار مشکل خواهد شد.

در نهایت باید گفت که هرچند استفاده از آب‌های جاری بین ایران و اقلیم کردستان عراق به

ویژه در صورتی که دچار مشکل کم‌آبی باشند، همواره چالش برانگیز است، ولی ایران با توجه به وضعیت اقلیمی و توزیع نامناسب منابع آبی و همچنین رشد جمعیت خود، نیازمند استفاده از آب‌های خروجی از مرزهای غربی خود از جمله رودخانه زاب کوچک است. این موضوع ممکن است روابط ایران و اقلیم کردستان را بحرانی کند، ولی با توجه به امتیازات اقتصادی این حوزه آبی و همچنین افزایش قدرت ژئوپلیتیکی و قدرت چانه‌زنی ایران در مذاکرات دوجانبه با منطقه خودمختار کردستان و مسائل منطقه‌ای به خاطر موقعیت بالادستی ایران در این منطقه لازم است که مدیریت اجرایی کشور به دنبال اجرای پروژه‌هایی در جهت کنترل آب‌های خروجی کشور، به ویژه در مقطع فعلی که اقلیم کردستان با مشکلات زیادی روبه‌رو هست، باشد. آنچه که در این میان باید مورد توجه قرار گیرد، این است که ایران باید ضمن حفظ منافع ملی خود، باید توجه داشته باشد که اجرای این پروژه‌ها کمترین آسیب را به روابطش با کردستان عراق و همچنین بحران‌های احتمالی در اثر تبلیغات منفی مخالفان و برانگیختن احساسات مردم منطقه وارد سازد که این مسئله خود می‌تواند دوباره بهانه‌ای باشد برای کشورهایی که از آب‌های مشترک به نسبت ایران به عنوان اهرم فشار استفاده می‌کنند (مانند دو کشور افغانستان و جمهوری آذربایجان) و بدون توجه به رویه‌های بین‌المللی آب‌های مشترک، درصدد هرچه بیشتر کاهش میزان آب‌های جاری خود به نسبت کشور ایران باشند. این مسائل حقوقی ناشی از خشک شدن یا کاهش آب زاب کوچک نیز بر ژئوکالچر حوزه زاب کوچک تأثیر می‌گذارد و اشتراکات فرهنگی-تمدنی این حوزه در هر دو کشور تحت تأثیر این واقعه‌های حقوقی قرار می‌گیرند.



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱۵۲

سال نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۸

بحث و نتیجه‌گیری

آب همواره بخش جدایی‌ناپذیر زندگی ما انسان‌ها بوده است. دامنه تأثیر و نفوذ آن از نیازهای فردی روزانه تا پیچیده‌ترین فعالیت‌های صنعتی، کشاورزی و اقتصادی و همچنین فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی را شامل می‌شود. مسئله کمبود آب به طور کلی و کاهش تدریجی آن در اثر مصرف جوامع سبب شده است آب نقش اساسی خود را در شکل‌دهی به روابط اجتماعی - سیاسی ملت‌ها و جوامع بشری به ویژه در مناطق خشک‌تر جهان ایفا کند. قرار گرفتن یک رودخانه در میان دو یا چند کشور که اصطلاحاً رودخانه بین‌المللی نامیده می‌شود، مسائل و مشکلاتی را در طول تاریخ برای این کشورها به وجود آورده است. از این‌رو، هیدروپلیتیک یا ژئوپلیتیک آب که به مطالعه نقش آب در مناسبات و مناقشات ملت‌ها و دولت‌ها می‌پردازد، موضوعیت می‌یابد. هیدروپلیتیک ایران و کشور عراق (اقلیم کردستان) به دلیل پیچیدگی شرایط خاص و تعداد عوامل تأثیرگذار در هیدروپلیتیک همواره از عوامل تأثیرگذار بر مسائل و موضوعات منطقه از جمله مناسبات سیاسی ایران با اقلیم کردستان بوده است.

تصمیم‌گیری‌های استراتژیک بر رودخانه زاب کوچک، از جنبه‌های متفاوت زیست‌محیطی، اقتصادی، امنیتی و حقوقی بر هیدروپلیتیک این حوزه تأثیر خواهد گذاشت. همچنین هیدروپلیتیک حوزه زاب کوچک زمینه تأثیرگذاری بر روابط سیاسی کشور ایران و اقلیم کردستان را فراهم آورده است. در این خصوص تصمیم‌گیری در این حوزه، بدون در نظر گرفتن ابعاد گوناگون منطقه، می‌تواند پیامدهای برگشت‌ناپذیری به دنبال داشته باشد. در این میان، اگرچه ممکن است ایران بتواند از پروژه‌های استراتژیک خود، به عنوان یک اهرم فشار علیه اقلیم کردستان و کشور عراق استفاده کند (دنباله‌روی از ساختار رئالیستی حاکم بر وضعیت‌های آبی خاورمیانه همچون رفتارهای آبی اسرائیل و ترکیه)، اما هم وضعیت اشتراکات آتینکی منطقه بر حساسیت‌ها و پیامدهای منفی این طرح‌ها در هر دو سوی مرز ایران و عراق افزوده است و هم دولت اقلیم کردستان عراق نیز می‌تواند در واکنش به چنین رفتار هیدروپلیتیکی از سوی ایران، بر مسیر آب‌های جاری باقیمانده در خاک خود، سد و پروژه‌های انتقال آب تأسیس کند و ضمن بهره‌بردن از منفعت‌های آبی، نگذارد آبی به مناطق دیگر عراق که از لحاظ آتینکی با اقلیم کردستان تفاوت دارند، جریان یابد و زمینه‌های بیشتر خشک شدن این مناطق را فراهم آورد که این امر خود می‌تواند به عنوان اهرم





فشاری علیه ایران مطرح باشد؛ چرا که در ادامه خشک شدن این مناطق، با توجه به حرکت‌های بادی که از سمت عراق به خاک ایران وارد می‌شود به راحتی می‌تواند بر بحران ریزگردهایی که مدتی است زندگی مردم ایران را تحت تأثیر قرار داده است، به صورت چشمگیری بیفزاید یا از طرف دیگر، با تکنولوژی بارور کردن ابرها توسط اقلیم کردستان عراق، از بارش‌های توده‌های ابری که از اقلیم کردستان به کشور ایران وارد می‌شوند، بکاهد. با این وجود، عدم توجه به جنبه‌های متفاوت تصمیم‌گیری‌های استراتژیک، مورد اهمیت قرار ندادن ظرفیت‌های فرهنگی و رعایت نکردن حق آبه مردمان پایین‌دست پروژه‌های آبی، ابعاد تهدیدآمیز طرح‌های استراتژیک آبی را بیش از پیش نمایان می‌سازد. در حالی که جمهوری اسلامی ایران در سیاست‌های آبی خود با مدّ نظر قرار دادن پتانسیل‌های موجود ذکر شده و رعایت کردن حق آبه اقلیم کردستان، جز آنکه اصول و بُن‌مایه‌های انقلاب اسلامی را حفظ می‌نماید، داعی شیوه‌ای نوین بر رفتارهای آبی منطقه، مبنی بر وجود حق آبه‌های مشترک بین کشورها در همسایگی یکدیگر است. با این رویکرد ایران می‌تواند قدرت چانه‌زنی و رفتار هیدرودپلماسی خود را در مورد رودهای مرزی که ایران به نسبت آنها از لحاظ توپوگرافی در پایین‌دست قرار دارد (رودهایی همچون ارس و هیرمند) بالا ببرد. اگرچه در طول چند سال گذشته کشورهای همجوار سعی در کنترل این رودها کرده‌اند و از هیدروهمزמוنی خود به عنوان اهرم فشاری علیه تهران استفاده می‌کنند.

در حال حاضر، دولت ایران به خاطر نیاز مبرم مناطق و سرزمین‌های داخلی خود به آب به منظور توسعه کشاورزی و صنعتی آن مناطق، مشغول احداث سد بر روی رودخانه زاب کوچک در نقاط صفر مرزی است. به طور یقین با تکمیل این سدها و انحراف آب به بخش‌های داخلی کشور، منطقه کردستان عراق از لحاظ هیدروپلیتیکی در تنگنا قرار خواهد گرفت و تنش میان ایران و این منطقه افزایش پیدا خواهد کرد. به هر حال پیشنهاد نویسندگان این پژوهش این است که استراتژی‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان ایران در حوزه زاب کوچک باید با در نظر گرفتن کمترین میزان تخریب زیست‌محیطی و ژئواکونومی منطقه لحاظ شود و همبستگی ژئوکالچری حاکم بر حوزه زاب کوچک یک عامل همبستگی و همگرایی تلقی می‌شود که می‌تواند به نفوذ ایران در مناطق فرامرزی کمک کند. به همین دلیل با توجه به موقعیت توپوگرافی و بالادستی ایران، ضرورت دارد سیاست‌گذاری‌های آبی این کشور به گونه‌ای اتخاذ شود که اقلیم کردستان عراق به عنوان منطقه‌ای پایین‌دست دچار خشکسالی، کم‌آبی و خالی از سکنه نشود که این خود ضمن

ایجاد تنش در روابط سیاسی ایران و اقلیم کردستان می‌تواند آسیب‌های بالای زیست‌محیطی را در آینده حتی برای ایران در پی داشته باشد. بنابراین، اجرای پروژه‌های آبی غرب ایران از جمله احداث سد و پروژه‌های انتقال آب بر رودخانه زاب کوچک دارای ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی منحصر به فردی است که دستگاه دیپلماسی کشور باید با هوشیاری و تلاش فراوان و با کمترین هزینه، بیشترین منافع و سود را نصیب کشور کند.



منابع

- احمدی، حمید (۱۳۷۹). *قومیت و قوم‌گرایی در ایران، افسانه و واقعیت*. تهران: نشر نی. چاپ دوم.
- اخباری، محمد؛ عبدی، عطاالله؛ مختاری‌هشی، حسین (۱۳۸۶). «بررسی پیامدهای انتقال آب رودخانه‌های مرزی به حوضه‌های داخلی، مورد: رودخانه زاب کوچک». ارومیه: همایش مرز.
- ادموندز، سیسل جی. (۱۳۸۲). *کردها، ترک‌ها، عرب‌ها*. ترجمه ابراهیم یونسی. تهران: روزبهان. چاپ دوم.
- انگلمن، ار؛ روی، پی. لی (۱۳۷۳). «آب و جمعیت». مترجمان مصطفی بزرگ‌زاده، عباسقلی جهان‌نما و قهرمان قدرت‌نما. *فصلنامه آب و توسعه*، سال دوم، ویژه‌نامه شماره ۱، صص ۱۳-۱۰.
- بازدار، شهناز؛ پیشگاهی فرد، زهرا؛ فرجی‌راد، عبدالرضا (۱۳۹۵). «بررسی و اولویت‌بندی عوامل واگرایی اثرگذار در روابط ایران و کشورهای اسلامی پیرامونی». *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال ششم، شماره دوم، صص ۱۷۷-۱۵۱.
- بدلیسی، امیر شرف‌خان (۱۳۷۳). *شرفنامه: تاریخ مفصل کردستان*. با مقدمه و تعاریف و فهراس: محمد عباسی. تهران: نشر حدیث. چاپ سوم.
- پوراحمد، احمد؛ حیدری، رقیه (۱۳۹۵). «بررسی آلودگی‌های زیست‌محیطی در کشورهای جهان اسلام». *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال ششم، شماره اول، صص ۱۷۰-۱۴۳.
- جعفری‌ولدانی، اصغر (۱۳۸۸). «استفاده از منابع آب رودهای مرزی ایران و عراق و حقوق بین‌الملل». *پژوهش حقوق و سیاست*، سال یازدهم، شماره ۲۶، صص ۹۲-۶۳.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۶). *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*. مشهد: انتشارات پاپلی. چاپ پنجم.
- خضری، سعید (۱۳۷۹). *جغرافیای طبیعی کردستان مکریان با تأکید بر حوزه زاب (شهرستان‌های: سردشت، پیرانشهر، بانه، مهاباد، بوکان، سنقر، نقده و اشنویه)*. تهران: ناقوس.
- خلیلی، محسن؛ حیدری، جهانگیر؛ یاری، منیر (۱۳۹۱). «آینده‌پژوهی سیاست خارجی: گد/ژنوم‌های ژئوپلیتیک ایران و همسایگان». *فصلنامه مطالعات آینده‌پژوهی*، سال اول، شماره سوم، صص ۷۸-۳۱.
- دانش‌مهر، حسین؛ احمدرش، رشید؛ کریمی، علیرضا (۱۳۹۸). «درک معنایی نخبگان و ذی‌مدخلان محلی از طرح انتقال آب رودخانه زاب به دریاچه ارومیه؛ ارائه مدل داده‌بنیاد». *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره ۸، شماره ۱، صص ۳۲-۱.
- رحمتی، علیرضا؛ نظریان، اصغر (۱۳۸۹). «آثار اقتصادی-اجتماعی و محیط‌زیستی سکونت‌گاه‌های مشمول جابه‌جایی ناشی از ایجاد سدها (مطالعه موردی: سد گتوند علیا و رودخانه کارون)». *فصلنامه پژوهش‌های محیط‌زیست*، دوره اول، شماره ۲، صص ۶۶-۵۳.
- رشید یاسمی، غلام‌رضا (۱۳۶۳). *کرد و پیوستگی نژادی و تاریخی او*. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر. چاپ دوم.
- سلطانی، ناصر؛ موسوی، میرنجف احمدآقبال، گلاویژ (۱۳۹۵). «ارزیابی پیامدهای احتمالی انتقال آب حوزه زاب به دریاچه ارومیه». *فصلنامه جغرافیا و پایداري محیط*، شماره ۱۹، صص ۵۱-۳۵.



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بای جهان اسلام

۱۵۶

سال نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۸

عبدی، عطاءالله؛ مختاری‌هشی، حسین (دی ماه ۱۳۸۴). «نگاهی به فرصت‌ها و تهدیدهای هیدروپلیتیک ایران». مجموعه مقالات دومین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران.

عراقچی، سید عباس (۱۳۹۳). «دیپلماسی آب، از منازعه تا همکاری». فصلنامه سیاسی جهانی، دوره ۳، شماره ۴، صص ۹۱-۱۱۹.

فروغی، پیام (۱۳۸۲). «استفاده از آب‌های فرامرزی، امنیت بین‌المللی و مدیریت بحران در آسیای مرکزی». ترجمه: قاسم ملکی. فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوازدهم، شماره ۴۳، صص ۱۹۴-۱۶۷. قنوتی، عزت‌الله؛ خضری، سعید؛ طالب‌پوراصل، داود (۱۳۹۴). «ارزیابی اثرات انتقال آب بین‌حوضه‌ای بر مخازن آب زیر زمینی و نشست زمین، مطالعه موردی: انتقال آب رودخانه زاب به دریاچه ارومیه». پژوهش‌های ژئومورفولوژی کمی، سال چهارم، شماره ۲، صص ۴۴-۲۹.

قنوتی، عزت‌الله؛ طالب‌پوراصل، داود؛ خضری، سعید (۱۳۹۵). «ارزیابی آثار انتقال آب بین‌حوضه‌ای بر مورفولوژی بستر رودخانه در حوضه‌ی مبدأ، مطالعه موردی زاب کوچک». فصلنامه جغرافیا و توسعه، شماره ۴۴، صص ۸۸-۶۵.

مرادی‌طادی، محمدرضا (۱۳۹۶). «آب و سیاست: نگاهی به فرایند سیاسی شدن آب». فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، دوره نهم، شماره چهارم، صص ۹۰-۷۱.

مینورسکی، ولادیمیر فنودوروویچ (۱۳۷۹). گرد. ترجمه و توضیح حبیب‌الله تابانی. تهران: نشر گستره. نامی، محمدحسن؛ محمدپور، علی (۱۳۸۷). جغرافیای کشور عراق با تأکید بر مسائل ژئوپلیتیک. تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

نیرومندفرد، فریبا؛ شهیدی، علی (۱۳۹۷). «هیدروپلیتیک ایران و عراق و بهینه کردن مصرف آب‌های مشترک مرزی». فصلنامه سیاست جهانی، دوره هفتم، شماره دوم، صص ۲۵۹-۲۳۳.

هاشمی، سید مصطفی؛ فرجی‌راد، عبدالرضا؛ سرور، رحیم (۱۳۹۵). «بررسی عوامل مؤثر ژئوپلیتیکی عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، دوره هشتم، شماره ۲۷، صص ۹۴-۶۳.

یزدانی، عنایت‌الله؛ ابراهیمی، طالب؛ سرداری، الهه؛ صفادل، راضیه (۱۳۹۱). «تأثیر جهانی شدن (در حوزه اطلاعات و ارتباطات) بر انقلاب مصر». فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال دوم، شماره سوم، صص ۵۹-۴۱.

Burke, Michael; Klaus, Jorde; Buffington, J. Matthew (2009). "Application of a hierarchical framework for assessing environmental impacts of dam operation: Changes in (streamflow, bed mobility and recruitment of riparian trees in a western North American river". *Journal of Environmental Management*, 90, pp. 224-236.

Elhance, Arun P. (1997). "Conflict and cooperation over water in the Aral Sea basin". *studies in Conflict and Terrorism*, Volume 20, No 2, pp. 207-218.

- Goldsmith, Edward (1990). *5000 days to save the planet*. London: Hamlyn Publishing.
- Kehl, Jenny R. (2011). "Hydro political Complexes and Asymmetrical Power: Conflict, Cooperation and Governance of International River Systems". *Journal of World-Systems Research, American Sociological Association*, Volume 17, No I.
- Martignago, Gabriele (2011). A comparative analysis of Sava, Tisza, Dniester transborder water river basin management agreement and cooperative policies and their impact on the enhancing of mutual understanding and the well being of people involved, Università degli studi di Trieste.
- Richter, Brian D. and Others (2010). "Lost in development's shadow: The downstream human consequences of dams". *Water Alternatives*, Vol. 3, No 2, pp. 14- 42.
- Turton, Anthony; Henwood, Roland (2002). *Hydropolitics in the developing world: A southern African perspective*. South Africa: African Water Issues Research Unit CIPS, pp. 1- 269.



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام
جمعیت پژوهشگران جهان اسلام

۱۵۸

سال نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۸

DOI: 10.21859/priw-090206

به این مقاله این گونه ارجاع دهید:

دیانت، محسن؛ درج، حمید؛ قادری، ابراهیم (۱۳۹۸)، «تأثیر هیدروپلیتیک زاب کوچک بر روابط سیاسی ایران و اقلیم کردستان عراق»، *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س ۹، ش ۲، تابستان ۹۸، صص ۱۵۸-۱۳۱.